

## استفاده از روش روایت‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت

زهرا مینائی<sup>۱</sup>، محمدجواد قنبری<sup>۲</sup>

### بیان مسأله

تاریخ علم، نشان داده است که علم در طول زیست خود، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و در هر زمان با سوالات جدیدی روبه‌رو شده‌است. این سوالات جدید در جهان امروز، منجر به شکل‌گیری علوم میان رشته‌ای گشته است. یک حوزه میان رشته‌ای عبارتست از «تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسأله پیچیده و یا معضل اجتماعی چندوجهی» (طاسکوه، 1388، ص 58).

برخی اعتقاد دارند که فلسفه تعلیم و تربیت خود یک حوزه معرفتی میان رشته‌ای است (سجادی، 1389). در واقع به دلیل گستردگی موضوعی مانند تعلیم و تربیت و پیچیدگی انسان، لازم است این موضوع از منظرهای متفاوتی بررسی شود و برای تحلیل در پژوهش از روش‌های گوناگونی استفاده گردد. علوم مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، هنر، دین و جامعه‌شناسی علمی هستند که فلسفه تعلیم و تربیت می‌تواند با کمک‌گیری از آنها مسائل تربیتی را از منظر و ابعاد دیگری بررسی کند و نتایج متفاوتی بگیرد (سجادی، 1389). بدین ترتیب یکی از اولویت‌های دانش پژوهان در این رشته می‌تواند جست‌وجو برای یافتن ربط منطقی بین رشته فلسفه تعلیم و تربیت و رشته‌های دیگر باشد.

روش به عنوان ابزاری برای پژوهش، می‌تواند پژوهشگر را از سردرگمی حاصل از اطلاعات و یافته‌های گوناگون نجات دهد و مسیری امن برای رسیدن به هدف راه، به او نشان دهد. از آنجا که تعداد روش‌های مورد استفاده در رشته فلسفه تعلیم و تربیت محدود است، و از آنجا که این حوزه، میان رشته‌ای است؛ شاید یکی از بهترین راهکارها برای سهمیم کردن حوزه‌های دیگر دانش در این رشته، وارد کردن روش‌های رشته‌های دیگر به فلسفه تعلیم و تربیت باشد.

<sup>۱</sup>- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی،

zahra.minaei@gmail.com

elyas320@gmail.com

<sup>۲</sup>- کارشناس ارشد علوم اجتماعی رشته مطالعات فرهنگی،



در این مقاله تلاش می‌شود با معرفی روایت‌شناسی به عنوان روشی در علوم اجتماعی به طور عام و مطالعات فرهنگی و نقد ادبی به طور خاص، چگونگی استفاده از این روش در فلسفه تعلیم و تربیت تبیین گردد. در این راستا به منابع و اسناد کتابخانه‌ای و دیجیتالی مکتوب فارسی برای معرفی روش روایت‌شناسی، ویژگی‌های این روش و مدل‌های روش مراجعه می‌گردد. در ادامه به تبیین چگونگی استفاده از این روش در فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود.

## سوالات پژوهش

سوالات پژوهش از این قرارند:

1. زمینه‌های فلسفی و رویکرد روش روایت‌شناسی چیست؟
2. تعریف روایت و ویژگی‌های آن چیست؟
3. مدل‌های روش روایت‌شناسی چیست؟
4. چگونه می‌توان از این روش در فلسفه تعلیم و تربیت استفاده نمود؟

## چارچوب نظری

«در تمام سده‌ها تا به امروز، از دوران افلاطون به این سو، فلسفه به عنوان موضوعی که روایت عقلانی و مطابق با واقع از عالم می‌دهد در یک سو و هنر، شعر و ادبیات به دلیل روایت‌های کژ و کوژشان از امر واقع در برابر آن قرار داشته‌اند» (رودی، 1389، ص 205).

رویکرد پست‌مدرن، رویکردی است که برخلاف این نگاه، علم را نه پارادایمی متفاوت و برتر از پارادایم‌هایی چون هنر و دین می‌داند بلکه علم را در کنار پارادایم‌های دیگر در نظر می‌گیرد. فایراند به رابطه میان علم و انواع دیگر معرفت اشاره می‌کند و ضرورت برتری علم را بر سایر اصناف معرفت نمی‌پذیرد. به علاوه او در استدلالی دیگر به اثبات لاقیاست یا غیرقابل قیاس بودن انواع معرفت می‌پردازد. بدین ترتیب «این تصور را رد می‌کند که هرگز برهان قاطعی برای برتری علم بر انواع دیگر معرفت که با آن غیر قابل قیاس اند، بتواند وجود داشته باشد» (چالمرز، 1385، ص 165).



به باور دریدا امروزه تمام روایت‌های فلسفی و غیر فلسفی در کنار و نه در برابر هم قرار دارند. در واقع امروزه روایت‌های عقلانی چون فلسفه دیگر راس هرم معرفت نیستند و به اندازه‌گونه‌های دیگر معرفت، اعتبار دارند. بدین ترتیب اینک «آثار فلسفی را می‌توان هم‌چون آثار ادبی نگریست و نقد متافیزیک را نیز بدون معیارهای سنتی سنجش احکام فلسفی ارزیابی کرد» (حقیقی، 1379، ص 49).

در این بستر و با این رویکرد است که روایت‌شناسی که پیش از این روشی در نقد ادبی بوده است، برای استفاده در علم و فلسفه معنا می‌یابد.

## روش‌ها

این پژوهش با بررسی منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و اسنادی به زبان فارسی که در رابطه با موضوع پژوهش یافت می‌شود، تهیه می‌گردد. با استفاده از این اسناد با روش توصیفی-تبیینی به معرفی روش روایت‌شناسی و تبیین چگونگی استفاده از این روش در رشته فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته خواهد شد.

## یافته‌ها

در این مقاله ابتدا به بیان تعاریفی از روایت و ویژگی‌های آن می‌پردازیم. روایت از نظر آسابرگر اینچنین تعریف می‌شود: «روایت، یک داستان است و... داستان زنجیره‌ای از رخدادها را در برمی‌گیرد.» روایت‌ها در چارچوب نوعی دوره زمانی کوتاه یا بسیار طولانی صورت می‌گیرند. (آسابرگر، 1380: 18).

مایکل جی. تولان نیز روایت را اینگونه تعریف می‌کند: «توالی از پیش‌انگاشته شده رخدادهایی که به طور غیر تصادفی به هم اتصال یافته‌اند» (تولان، 1383: 20).

«لابوف روایت را روشی برای گفتگوی مجدد در خصوص تجارب گذشته از طریق منطبق ساختن توالی شفاهی از قضایا با ترتیب وقایع آن چنان که استنباط می‌شود عملاً اتفاق افتاده است، می‌داند» (ذکایی، 1387: 70).



با در نظر گرفتن عناصر مشترک این تعاریف می‌توان تعریفی از روایت، بدین‌گون ارائه کرد: روایت، داستانی از توالی رخداد‌های غیر تصادفی حول یک کلیت منسجم است.

تولان ویژگی‌های کلی روایت‌ها را اینگونه بیان می‌کند:

1. میزان ساخته و پرداختگی مصنوعی یا ساختاریافتگی.
2. میزان از پیش‌ساخته و پرداختگی
3. داشتن خط سیر در روایت‌ها
4. داشتن گوینده در روایت‌ها
5. استفاده روایت از ویژگی زبانی.
6. دوری و عدم حضور در زمان و مکان روایت (تولان، 1383: 18 و 19).

سپس انواع مدل‌های روایت‌شناسی را مطرح می‌کنیم. در ابتدا به بیان طرح ولادیمیر پراپ در روایت‌شناسی می‌پردازیم. شاید بتوان گفت این فرمالیست روس اولین کوشش عمده به منظور ایجاد مدلی برای کشف ساختار روایت را انجام داده است. وی تقریباً صد نمونه از یک ژانرروایی خاص - قصه‌های پریان - را بررسی کرد و ساختاری به دست داد که از هفت حوزه عمل و سیو یک عملکرد ثابت یا عناصر تشکیل می‌شد. گرماس، به عنوان یکی از ادامه دهندگان راه پر اپکلیه کنش‌های استخراج شده را به سه دو گانه کاهش داد و از عناصر استخراج‌شده توسط پراپ، الگویی ساختاری ساخت. در این مقاله به بیان هر دو مدل خواهیم پرداخت. سپس نظریات رولان بارت درباره روایت، بیان خواهد شد. رولان بارت از دو عنصر یا عملکرد که همان کاتالیزورها و هسته هستند، یاد می‌کند. کاتالیزور نقش نوعی پیش‌زمینه یا نقشی دست‌دو‌مبازی می‌کند. در حالی که هسته‌ها نقاط برجسته روایت هستند.

### نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

در پاسخ به این سوال که روایت‌شناسی چه کاربردی در فلسفه تعلیم و تربیت دارد باید در آغاز به تعریف فلسفه تعلیم و تربیت بپردازیم. در این مقاله بعد از تعاریف اصطلاحی متفاوتی که از فلسفه، تعلیم و تربیت و ربط این دو وجود دارد به سه بخش‌بندی از فلسفه تعلیم و تربیت دست یافتیم.



1. فلسفه تعلیم و تربیت نظری؛ فلسفه را در معنای عقل‌ورزی در شش حوزه متافیزیک، اخلاق، معرفت‌شناسی، زیبایی‌شناسی و منطق؛ تعلیم و تربیت را به معنای فرآیند رسیدن به مطلوب در هر جامعه و رابطه این دو را در معنای جواب‌های فیلسوفان به پرسش‌های تعلیم و تربیتی، استفاده از چارچوب‌های جهان‌نگرانه<sup>1</sup> نظام‌های فلسفی در تعلیم و تربیت و استنتاج دلالات تربیتی از فلسفه‌های نظامدار به کار می‌برد.
  2. فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری؛ فلسفه را در معنای کلی تاملات عقلانی در باب جهان و رابطه انسان با آن، تعلیم و تربیت را به عنوان فرآیند رسیدن به مطلوب در هر جامعه و ربط این دو به هم را در وجه آخر یعنی استنتاج از عمل تربیتی به کار می‌برد.
  3. فلسفه تعلیم و تربیت تحلیلی؛ فلسفه را به معنای تحلیل یعنی فرایندی که به روشن کردن واژه‌ها و درک مفاهیم و توضیح ایده‌ها می‌پردازد، تعلیم و تربیت را به عنوان یک رشته علمی و ربط این دو را در استفاده از روش‌ها، ابزار و تکنیک‌های فلسفه در پژوهش مسائل آموزش و پرورش رسمی می‌داند.
- روش روایت‌شناسی در این سه بخش کاربرد دارد.
- روایت‌شناسی در تعلیم و تربیت نظری، بررسی ساختارمند استنتاج‌های تربیتی متفاوت از یک نظریه فلسفی است. یعنی هر استنتاج تربیتی از نظریات و نظام‌های فلسفی به مثابه روایت که یک پژوهشگر از آن نظام و فیلسوف ارائه کرده است. روایت‌شناسی ادعا دارد که می‌تواند این روایت‌های متفاوت از یک فیلسوف را بررسی کرده و ساختار کلی این روایت‌ها را استخراج نماید تا بتوان بدین وسیله به فهم ساختاریافته‌تری از آن نظام فلسفی و فیلسوف دست یافت.
- روایت‌شناسی در تعلیم و تربیت هنجاری، به معنای شیوه‌ای عقلانی برای فهم از معنا در حوزه عمل تربیت است. از آنجا که روایت گونه‌ای بازنمایی و قالبی برای بیان فهم انسان از جهان است، می‌توان در حوزه عمل تعلیم و تربیت به فهم جدیدی از مسائل عملی تعلیم و تربیت پرداخت. مثلاً یکی از شیوه‌هایی که می‌توان به تحلیل روایت افراد پرداخت در مصاحبه‌های روایتی است.
- روایت‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت تحلیلی به مثابه فلسفه فلسفه تعلیم و تربیت است. روایت‌شناسی به عنوان روشی که به تحلیل ساختار روایی زبان می‌پردازد، می‌تواند هر واقعیتی

<sup>1</sup>World frames



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران  
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

اعم از علم، فلسفه و هنر را تحلیل کند. بنابراین روایت‌شناسی فلسفه فلسفه تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. در اینجا منظور از فلسفه اول همان شیوه عقل‌ورزی است و منظور از فلسفه تعلیم و تربیت، آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت است. در این شکل از کاربرد روایت‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت، می‌توان این روش را به مثابه روشی برای تاملات عقلانی نقادانه در باب نظر فیلسوفان تعلیم و تربیت در نظر گرفت و عناصر به حاشیه رفته و مرکزی هر کدام از این نظریات را باز شناخت.

**واژگان کلیدی:** روایت، روایت‌شناسی، روش، پست مدرنیسم، فلسفه تعلیم و تربیت

### منابع

- 1- آسابرگر، آرتور. ۱۳۸۰، *روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره*. ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: سروش.
- 2- احمدی، بابک. ۱۳۸۱، *ساختار و هرمنوتیک*. چ دوم، تهران: گامنو.
- 3- تولان، مایکل جی. (1383). *درآمدی نقادانه-زبان‌شناختی بر روایت*، ترجمه ابوالفضل حری. تهران: انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.
- 4- رودی، فائزه (1389). *روایت فلسفی روایت؛ از باستان تا پست مدرن*، تهران: نشر علم.
- 5- مارتین، والاس. ۱۳۸۲، *نظریه‌های روایت*. ترجمه محمدشهباز، تهران: هرمس.
- 6- Allan, Kenneth. 2006. *Contemporary social and sociological theory : visualizing social world*. California: Pine Forge Press.